

نقش کالبد شهر در هویت و سیمای شهر

فاطمه کلایی

کارشناس سمعی و بصری سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری شیراز

چکیده

هویت شهر، حالتی ذاتی و دروندادی داشته که بر کالبد شهر تأثیر میگذارد، لذا سیمای کالبدی شهرهای وابسته به یک فرهنگ و جهان بینی خاص را از فرهنگ و ساختار اجتماعی دیگر متمایز میکند. تایج نشان داد که عناصر کالبدی در هویت بخش سیمای شهری شهر تأثیر و نقش داشته است و عناصر کالبدی بر کلیه متغیرهای هویت بخش سیمای شهری «فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکرد، نشانه ها، فرمها و نماد و ویژگیهای بصری» نیز تأثیر و نقش داشته است عناصر طبیعی، ساختارها و کالبدهای مصنوعی، ترکیب اقوام و نظامهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حوادث تاریخی موضوعاتی هستند که بررسی تطبیقی آنها در دوره های مختلف سبب شناسایی تمایزات هر دوره تاریخی از دوره دیگر شده و هویت شکلی آن شهر را سبب می گردد

واژگان کلیدی: کالبد شهر، هویت شهری، سیمای شهر

مقدمه

شهر به عنوان واقعیت اجتماعی مکانی است که انسان آن را برای بقا و زیستن خلق نموده است داشتن شهر زیبا خلاق نهایت آرزوی دیرینه هر فرد و اجتماع است شهر زیبا انعکاس فرهنگ و هویت شهروندان در طول حیات شهری است امروزه مطالعات زیادی را بسیاری از اندیشگرایان شهری در رابطه با داشتن شهر بی‌دغدغه و عاری از دل‌مشغولی انجام داده‌اند که چندان کارآمد نبوده و این گره خوردگی بصری و آسایش محیطی به بارننشست زشتی نازیبایی برخی از شهرها احساس سرزندگی شهری را از شهرها دور نموده و باعث گردیده شهروندان به محیط شهری بیرون چندان رغبت و تمایل نشان ندهند عدم وجود شهر زنده و پویا بی‌ثباتی برخی از مسئولان و متولیان شهرها به بازپیرایی شهر نبود فضاهای مکث و خاطره‌های جمعی عدم وجود استفاده از کارشناسان شهری و... روز بروز بر حقارت شهرها افزوده است امید است متولیان شهرها گام مطلوبی برای استغناء ادبیات چهره آرای کشوری دارند تا پایانی باشد بر معمای سیمای زمخت و منظر درهم‌نتیجتا چیزی به نام هویت وجود دارد که شهر را می‌سازد هویت قلب تپنده شهرهاست. سیما و هویت شهرها در طول ادوار مختلف تاریخی، تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف انسانی و طبیعی تغییرات فزاینده‌ای یافته است. شهرهای ایرانی نیز از این امر مستثنی نیستند و سیما و هویت آن‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف انسانی و طبیعی دگرگون شده و بسیاری از نمادها و سبک و سیاق‌های کالبدی اصیل در آن‌ها رنگ باخته است. بی‌شک یکی از مشخصه‌ها و البته معضلات اصلی شهرهای امروزی وجود عناصر و آرایه‌های نامتناسب و آشفته در آن‌هاست و شهروندان غرق در این آشفتگی‌ها، به دنبال اندکی آرامش در فضاهای زیبا و مناسب و هماهنگ با محیط خود هستند (بابکری و جوهری، ۱۳۹۵). محلات شهری نقش اساسی در حیات و زوال شهرها ایفا می‌کنند و کالبد محلات نیز از حس تعلق ساکنین به محله جان می‌گیرد علاوه بر این حس هویت و تعلق اجتماعی در محلات شهری به عنوان ضرورتی انکارناپذیر در سرزندگی و بقای آن‌ها تلقی می‌شود (ناجی و همکاران، ۱۳۹۳). در دوران معاصر ویژگی‌های کالبدی محله‌ها دستخوش تغییرات اساسی در مقایسه با گذشته شده است. رشد سریع جمعیت و نیاز به مسکن باعث شد محله‌ها در طول زمان و به صورت تدریجی و فرایندی شکل بگیرند و مفهوم محله ارزش‌های اجتماعی، فراغتی و سکونت‌ی کم‌رنگی را در خود داشته باشد. همچنین این نیاز شدید به مسکن، موجب بی‌توجهی به کیفیت‌های محیط انسان و نیازهای فرامادی وی شد که خود به ایجاد فضاهای دارای بحران هویت مندرج مؤلفه‌های سازنده‌ی هویت مرکز محلات را به دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی تقسیم می‌شود. بافت کالبدی و ساختار مکانی فضایی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی سیمای شهری را شکل می‌دهد، زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی سیمای شهری متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. واقعیت این است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد نخستین راه ارتقاء هویت، امکان بازشناسی پدیده بر اساس شباهت‌های آن با پدیده‌های هم‌سنخ و تفاوت‌هایش با پدیده‌های غیر هم‌سنخ در ذهن است (نور محمد زاد و مطلومی راد، ۱۳۹۴). در حقیقت امروزه یکی از معضلات بزرگ که در مناظر شهری نماهای ساختمان‌های مختلف است که در اکثر موارد با ترکیبات رنگی و مصالح نامناسب و ناهمگون با الگوهای شهری ایجاد شده‌اند که این موضوع علاوه بر زشت نمودن سیمای شهرها باعث تأثیرات منفی بر روان ساکنان شده‌اند دیگر نماهای شهری از هویت شهریشان حکایت نمی‌کنند و هر بنایی با خود حاوی پیامی است که زاییده روح طراح بوده بدون توجه به هویت شهرش و باعث ایجاد بی‌نظمی و ناآرامی می‌شود اینکه هر بنا باهدفی بی‌ربط به جنبه‌های زیبایی‌شناختی طراحی می‌شود ناخود آگاه باعث ایجاد تغییرات سوء بر رویحه انسان‌ها می‌شود و از دلایل بسیار اساسی در ایجاد ناراحتی‌های روحی استرس و ناآرامی‌های عصبی در افراد می‌شود. کالبد، یکی از عوامل تأثیر گذار بر هویت در مقیاس خرد و شهرسازی در مقیاس کلان است. شناخت مؤلفه‌های هویت ساز در این عنصر تأثیر گذار،

که مستقیماً با روان و افکار آدمی در ارتباط است، در این مرحله حساس از کالبد شهری ما، که دچار سردرگمی است بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اگر بپذیریم که شکل و کالبد شهرها متأثر از هویت، فرهنگ و تمدن شهروندان و ایجادکنندگان آن است، قطعاً به این نتیجه می‌رسیم که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جاری و حاکم بر یک جامعه همان عواملی هستند که شکل کالبدی شهرها را در گذر زمان و در فضای حضور و تعامل انسان‌ها با محیط، ساخته‌اند. در اینجا است که زشتی و زیبایی این شاکله و ساختار کالبدی، قطعاً تظاهری از ارزش‌ها و نقصان‌های فرهنگ و تمدن یک جامعه و تعاملات آن جامعه با محیط و با یکدیگر است. با توسعه ارتباطات میان فرهنگ‌ها و رشد انتظارات شهروندان در شهرها، بیش از صد سال است که جریانی متفاوت با آنچه گفته شد یعنی تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ و هویت شهروندان را مشاهده می‌کنیم. بسیاری از کشورهای توسعه یافته و به تأکید، در حال توسعه در دنیایی با رقابت شدید، چنین مسیری از توسعه را در بسیاری از شهرهای خود برنامه ریزی کرده یا به جبر، آگاهانه یا ناآگاه تجربه کرده‌اند (رضوانی، ۱۳۹۳). کالبد شهر یا فضای آن تمامی و یا قسمتی از آن در مقیاس کلان را می‌توان از بالا به پایین مورد مشاهده قرار داد. پیکر شهر در برگیرنده حجم‌های پر و خالی، فضاهای در قالب‌های وسیع، ورودی و خروجی شهر و ... می‌شود. با دیدن پیکر شهرهای ممکن است احساسات متفاوتی مثل عظمت، شگفتی، قدرت، آزادی، استقلال، خویشتن باوری یا ضعف، ناتوانی، گم شدن در ناظر به وجود آید.

پیشینه و ادبیات تحقیق

هویت

معمولاً برای هویت معانی نظیر؛ حالت مشابهت کامل، همان بودن و یکی بودن، حالت شی یا شخصی خاص بودن نه چیز دیگر، ویژگی‌های خاص متعلق به فردی مشخص (فردیت) بیان می‌شود (پیران، ۱۸۶، ۶). این معانی اشاره به حالتی دارند که به واسطه آن یک پدیده، شی یا فرد از دیگری تمییز می‌شود و به صفاتی مترتب‌اند که حاصل عمل آن پدیده و معرف ویژگی‌های معنوی آن است که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است هویت را می‌توان به معنی وجود خارجی در نظر گرفت که به سبب آن تشخیص و تشخیص صورت می‌گیرد؛ مجموعه‌ای از علائم، نشانه‌ها، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیت دیگر و یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود امروزه در معماری و شهرسازی، بسیاری از مردم گرایش به خدمات شهری مدرن در قالب‌های سنتی دارند. بسیاری این پدیده را نشانه‌ای از ظهور مجدد حکمت شهودی کهن می‌دانند، در حالی که بسیاری آن را جریانی کاذب و ناشی از برخی انحرافات فرهنگی، ارزیابی می‌کنند. مشارکت اعضای جامعه در فعالیت‌های گوناگون سازمان یافته، برای رسیدن به اهداف بلند توسعه درون‌زا، امری است حیاتی و بسیار مهم، بنابراین دستیابی به این مهم تحت تأثیر عوامل متعددی می‌باشد. فرهنگ به عنوان بن مایه اصلی حوزه‌های مختلف جامعه، همواره در روند رشد و تکامل برنامه‌ها به ویژه در حوزه توسعه در ابعاد گوناگون تأثیرگذار و همچنین به عنوان نماد رفتار جمعی یک جامعه در مسیر کسب ارزش همیشه با زندگی انسان عجین بوده است. فرهنگ به عنوان مفهومی پویا همواره تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار داشته است و عناصر شکل دهنده آن بر اثر مؤلفه‌های گوناگون در حال تغییر هستند. در جوامع کنونی، تغییرات فرهنگی به طور واضح به چشم می‌آید و عوامل مؤثر بر این تغییرات به موضوعی بحث برانگیز تبدیل شده است. با توجه به اهمیت دانش شهرسازی در بهبود کیفیت زندگی و ارتقای فرهنگ شهری، لزوم مطالعه چگونگی تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ، به روشنی دیده می‌شود. بسیاری از شهرهایی که به برکت ارج نهادن به فرهنگ قرن‌ها دوام یافته و کانون انتقال ارزش‌ها به نسل‌های آینده شده‌اند (علوی و محسنی، ۱۳۹۸).

هویت شهری

دو طرز تفکر را می‌توان درباره شهر بیان کرد، نگاهی که منتج از دیدگاه‌های مکانیستی، شهر را در کالبد خلاصه می‌کند و برای شهر چهار کارکرد اساسی سکونت، کار، تفریح و حمل و نقل تعریف می‌کند که ریشه این نگاه در دیدگاه‌های «لوکوربوزیه» و کنگره «سیام» نسبت به شهر کارکردی، دیدگاه جهانی و بین‌المللی به شهرسازی است. این نگاه بر این باور بود که می‌توان با حذف خصوصیات و ویژگی‌های محلی و فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... شهرهایی یکسان و مشابه را در نقاط مختلف جهان پدید آورد. نتیجه این دیدگاه ایجاد شهرهایی بود که فاقد تفاوت و تمایز بودند و امکان تمییز دادن بین آن‌ها وجود نداشت. در مقابل دیدگاه‌های مکانیستی و پس از نتایج آن، نگاهی جدید به شهر و محیط‌های انسان ساخت پدید آمد که باعث شد جنبه‌های غیرکالبدی شهر نقش به سزایی را در شناخت از شهر بر عهده گیرند. این نگاه شهر را به عنوان سیستمی زنده (ارگانیسم) نه تنها متشکل از کالبد، بلکه حاصل روابط انسان‌ها و تجارب آن‌ها، روندهای اجتماعی و محصول طبیعت می‌دانست و معتقد بود که شهر به مثابه تبلور آیین و اندیشه جامعه نمی‌تواند در تمدن‌های مختلف به طور یکسان پدید آید. در این دیدگاه، شهر ورای کالبد، کیفیت و حدی را در درون خود در جریان دارد که سبب تشخیص مکان‌ها و یا شهرها از یکدیگر می‌شود. این عامل تمایزدهنده یک شهر را می‌توان هویت آن شهر نامید بنابراین هر محیط انسان ساختی، مانند هر انسانی، هر پدیده‌ای و هر شی، واجد هویتی مخصوص به خود است که این هویت، ناظر بر خصوصیات از محیط است که در شرایط مختلف قابلیت تمییز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورند. هویت و شخصیت شهر از چهره کلی آن و در کلام کارشناسی از منظر آن قرائت می‌شود (زاهدان و مسعود لواسانی، ۱۳۹۳) و به طور حتم در سیمای شهری که یکی از اجزای تشکیل دهنده منظر شهری است صورت می‌یابد. مفهوم هویت از دیدگاه شهرسازی و معماری دو بخش مکمل یک دیگر مطرح می‌شود، اول ایجاد خاطره و تداعی در شخص، و دوم، تمایز و استقلال از شخص. اگر مفاهیم ایجاد خاطره و تداعی، تمایز و استقلال را دو بخش اصلی مفهوم هویت در شهر بپذیریم هویت شهر بستگی به میزان خاطره انگیزی یک شهر و تفاوت‌های یک شهر با شهر دیگر دارد. متفاوت بودن یک شهر از شهر دیگر نیازمند عوامل مختلفی می‌باشد، عواملی چون طراحی و شکل شهر، آثار معماری و تاریخی، کالبد شهر، منظر شهری، جغرافیا و طبیعت، تاریخ و دلایل شکل‌گیری شهر، فرهنگ، دین و زبان و نژادهای ساکن در شهر، کارکرد اقتصادی و سیاسی شهر و ... موجب تفاوت شهرها از همدیگر می‌باشد، تفاوت‌های میان شهرها سبب هویت بخشی شهرها است هویت و شخصیت شهر زمانی معنا پیدا می‌کند که شاخص‌های خاص شهر نمود یابند. شاخص‌هایی که ریشه در مکان و زمان دارند و با سنت، عقاید و به‌طور کلی با دانش و فرهنگ آن جامعه پیوسته‌اند عموماً. به دلیل وجود دینامیک‌های درونی خود شهر همانند انسان تعریف کنندگان هویت شهری شهر را دارای هویت می‌دانند. زمانی که از هویت یک شهر سخن می‌گوییم از مجموعه ارزش‌هایی که ساکنان شهر در آن قرار گرفته‌اند و از آرمان‌گرایی که بر شهر تحمیل شده سخن می‌گوییم. در شناخت هویت شهری باید هر دوسویه عینی آن یعنی شهر، ساختار و کالبد شهری، کارکرد اقتصادی آن، فضاهای عمومی و غیره و نیز عامل ذهنی گروه‌های اجتماعی ساکن، سطح ادراک و شعور اجتماعی و توقعات و مطالبات آن‌ها، وضعیت شهروندی، گروه‌های همگن و نظایر آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند.

کالبد

کالبد در لغت به معنای پیکر آورده شده و محتوای روابط اقتصادی و اجتماعی در فضا است و چون سه بعدی است، فضا به شمار می‌آید. کالبد را می‌توان زبان فضا دانست؛ چرا که آنچه را معماران در فضا می‌خواهند بیان کنند را با توجه به کالبد بیان می‌کنند به همین دلیل کالبد دارای اهمیت ویژه‌ای در آفرینش فضا است. اهمیت کالبد را می‌توان در دوره معاصر

جستجو کرد یا به نوعی از زمان جدایی دو هنر نقاشی و مجسمه سازی از معماری، معماران برای ایجاد نوعی استقلال، به کالبد اهمیت دادند، اما این مطلب گویای این نیست که کالبد در معماری گذشته دارای اهمیت نبوده در واقع دنیای درونی و خاص هر فرد تا ابراز نگردیده از طرف مخاطبان مورد نقد قرار نمی گیرد که این ابراز را می توان در معماری، تحت عنوان کالبد بیان داشت که اتصالی درونی را بین ناظر و فضا به وجود می آورد در واقع می توان کالبد را زبانی یا واسطی برای انتقال مفهوم فضا به انسان بیان نمود که به عنوان ابزاری کارآمد در اختیار طراحان و معماران قرار دارد (اکبری، عبدالمهی).

کالبد شهر

شکل یا فرم شهر " وسیع ترین مفهوم وابسته به شهر است که می توان گفت تقریباً در برگیرنده تمام واقعیت های موجود شهر است. «کلیه عناصر محیطی است که انسان به طور بالقوه می تواند در ارتباط با آن قرار گیرد. « (پاکزاد، ۱۳۸۶). بنابراین می توان گفت تمامی اطلاعات واقعی در محیط شهر شکل شهر خوانده می شود. عناصر تشکیل دهنده شکل شهر می تواند مادی یا غیرمادی باشد. به همین دلیل تمامی جنبه های عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و کالبدی محیط یا شهر را شامل می شود «شکل شهر در حقیقت ظرفی است که امکان می دهد فعالیت های شهری در آن به وقوع بپیوندد. از نظر برخی، مثلاً جغرافی دانان، شکل شهر فقط مورفولوژی شهر است. به این معنا که دربرگیرنده بافت کالبدی، عملکردهای اداری و صنعتی و مجموع ساختمان هایی است که معرف فضایی پدیده های شهری هستند. اگر واژه شناسی فولی را در این مورد به کار بریم، شکل شهر همان جنبه های کالبدی شهر خواهد بود که خود ممکن است فضایی یا غیر فضایی باشد. « امروزه عمده اندیشمندان شهرسازی "شکل شهر" را اعم از کالبد شهر می دانند. بنابراین در این پژوهش، منظور از کالبد شهر جنبه های کالبدی شکل شهر است که به طور کلی با مفاهیمی مانند ساختار کالبدی شهر، الگوی شهر و بافت شهر قابل تعریف است (بحرینی، ۱۳۸۲: ۵۷ از سوی دیگر، منوچهر مزینی مظاهر بصری شهر را به دو بخش جسم و جان شهر تقسیم می کند و معتقد است برای تحلیل علمی مظاهر بصری شهر، باید نخست تحت عنوان جسم شهر آن چه که چهره، سیما و پیکر شهر نام نهاده شده مورد بحث قرار داده شود و سپس جان شهر را که اجزای آن را فعالیت های جاری شهر، خصوصیات سینتکی شهر و صدا و بو نامیده است؛ این که روحیه شهر که متشکل از این هر شش عامل است کاملاً تبیین شود. بر اساس نظریه منوچهر مزینی، در یک دسته بندی، کالبد شهر به دو دسته اصلی جسم شهر و جان شهر قابل تقسیم است که جسم شهر، خود شامل چهره، (به تعریف لینچ، ۱۳۸۵: ۸۹ - ۱۵۲ سیما و پیکر شهر و جان شهر نیز دربرگیرنده فعالیت های جاری و خصوصیات سینتکی شهر و صدا و بو است. هم چنین در نهایت، مجموع این شش عامل را روحیه شهر می نامد

سیمای شهری

شکل شهری و هر آنچه که به صورت بصری نمایان و قابل ادراک است. همه اطلاعات بصری که ناظر از فضا در طول زمان ادراک می‌کند. سیمای شهر، ترکیب ظاهر ساختمان‌ها و فضای بین آن‌ها یا فضاهای درون شهرها است که شامل همه عناصری می‌شود که در ترکیب با یکدیگر جلوه ظاهری آن فضا را می‌سازند سیمای شهری شامل عناصری چون: سیمای زمین، سیمای جداره‌ها، جلوه ظاهری فعالیت‌های در حال انجام در فضای شهر، نمود ظاهری انسان‌ها و جلوه ظاهری کلیه الحاقات ثابت و متحرک فضا می‌باشد. در واقع، سیمای شهر ماهیتی پویا دارد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۶۵).

-عناصر کالبدی شهر

ساخت، کل متشکل از واحدهای تقسیم، رابطه‌ها، مفاصل و مرزهاست که با گشتارهایی، حول انتظام دهنده‌هایی در تبعیت از اصولی شکل می‌گیرند. چنین ساختی واجد معنایی است. معنا، ذهنیتی است که از واژه، جمله، پاراگراف یا متن برای خواننده مستفاد می‌شود. پژوهش ساخت معنا، در زمینه شهر می‌تواند در ابعاد مختلف آن انجام گیرد. از آنجا که بعد کالبد، محسوس، باثبات - و عینی‌ترین بُعد شهر است، پژوهش ساخت معنا در ساخت کالبد شهر انجام شده است. مجموعه تاریخی شهر یزد از ارزشمندترین مجموعه‌هایی است که به عنوان یک متن در کتاب شهر یزد قابل پیگیری است. این متن همواره، متنی بامعنا بوده ولی مداخلات انجام شده در مجموعه گاهی سبب از دست رفتن معانی مترتب بر آن شده است (رحمانی و نورمحمدزاد، ۱۳۹۸). امروزه ساخت و بافت محیط‌های انسان ساخت هرگونه که هست، چه در ستیز با انسان و محیط زیست و یا در سازگاری و الفت با آن، محصول نوع تفکر برنامه‌ریزی شهری ما است. جریان توسعه شهری و پیش‌بینی جمعیت حکایت از روند سریع آن دارد. به طور کلی وجود تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین شهرها با نواحی پیرامونی و از آن جمله نقاط روستایی اطراف، به مرور منجر به تغییرات ساختار جمعیتی، تغییرات ساختار کارکردی و کالبدی شده است. رشد سریع جمعیت و گرایش مردم به شهرنشینی، تقاضای فزاینده‌ای را برای تهیه مسکن به دنبال داشته که این موضوع در پی خود مشکلات عدیده‌ای در زمینه توسعه شهری به وجود آورده است. هر چند آهنگ تغییر رشد شهرنشینی میان مناطق و استان‌های کشور متفاوت است ولی تقریباً همه مناطق کشور به سرعت در حال شهری شدن بوده و بروز مسائل و مشکلات را به دنبال داشته است. این دگرگونی‌های نسبی جمعیت در ایران نشان از رشد شتابان شهرنشینی، شهر شدگی روستا، روستا گریزی، روند نامتعادل‌تر شدن توزیع فضایی جمعیت و نظایر این‌ها دارد. به دنبال رشد فیزیکی شتابان مجتمع‌های زیستی، بخش وسیعی از بهترین و بالطبع با ارزش‌ترین اراضی بلافصل شهرها که از دیر باز شرایط زیست محیطی لازم و کافی برای تجمع انسان‌ها در آن‌ها وجود داشته، در معرض نابودی قرار می‌گیرند. اما شهرها نمی‌توانند برای همه‌ی جمعیت افزوده شده فضای حیاتی مناسبی فراهم کنند و به همین خاطر بخشی از جمعیت اضافه شده به شهر به پیرامون آن رانده می‌شوند. از مقایسه رشد جمعیت شهری با فضای اشغالی آن‌ها معلوم می‌شود که به موازات رشد جمعیت، فضاهای اطراف شهرها نیز اشغال شده و در بیشتر موارد، میزان تصرف زمین از رشد جمعیت به شدت پیشی می‌گیرد. عدم تعادل بین رشد مساحت و جمعیت در هر دوره از رشد و توسعه شهر باعث شده است که الگوی کالبدی و فیزیکی شهر بیشتر از نوع الگوی پراکنش افقی باشد. این الگوی توسعه شهری آسیب‌های نامطلوبی از جمله پیامدهای زیست محیطی، تغییر کاربری زمین کشاورزی، آب، خاک تأثیر منفی بر فضای سبز شهری به بار آید. بر این اساس الگوی مناسب در جهت رشد و توسعه کالبدی شهر اهمیت ویژه‌ای یافته است و باید در برنامه‌ریزیها مورد توجه قرار گیرد. شهر همچون موجود زنده همواره در حال تحول و پویایی است. شکل‌گیری، تداوم حیات و تغییرات ظاهری بافت شهری و رشد و توسعه آن متأثر از مجموعه‌ای از عوامل و نیروهای طبیعی و انسانی است که باعث تحمیل چهره و بافت جدیدی به کالبد فیزیکی شهر را فراهم می‌آورد. شناخت وضع موجود و مشکلات فعلی شهر پیش‌بینی تغییرات آتی آن در گرو شناخت این عوامل و مکانیزم عمل آن‌هاست. کلمه رشد و کلمه توسعه در علوم مختلف بکار گرفته می‌شوند، ولی برداشت‌های گوناگون از آن‌ها می‌شود. در منابع شهرسازی، توسعه عمدتاً به افزایش کمی و کیفی زندگی مردم یک جامعه در جهات مختلف تلقی می‌شود و اغلب توسعه را به صورت اقتصادی بکار می‌برند. منتهی در بحث حاضر منظور توسعه اقتصادی نیست، بلکه منظور ما از توسعه مفهوم گسترش شهر، بسط رشد مکانی است. از تلاقی و ترکیب انواع فضاها با کاربری مسکونی، تجاری، تفریحی، مذهبی، ... و

ایجاد ارتباط و حرکت در زمان و مکان بین فضاهای یادشده پیکره‌های به وجود می‌آید که به صورت یک سیستم فیزیکی یا کالبدی عمل می‌کند. این پیکره را می‌توان یک کالبد به حساب آورد و گسترش این پیکره را توسعه کالبدی یک شهر یا یک مکان جغرافیایی را قلمداد نمود. ساخت و سیمای شهر از یک سو و حرکات، عملکردها و پویایی فیزیکی شهر یا یک مکان جغرافیایی مفروض از سوی دیگر سازنده حیات کالبدی آن‌ها هستند. لذا می‌توان توسعه کالبدی شهر یا گسترش فیزیکی آن را این گونه تعریف نمود: به افزایش کمی و کیفی کاربریها و فضاهای کالبدی (مسکونی، تجاری، مذهبی، ارتباطی، و...) یک شهر در ابعاد افقی و عمودی که در طول زمان انجام می‌گیرد، می‌توان توسعه فیزیکی اطلاق نمود. شهرها همواره تحت تأثیر نیروها و عوامل گوناگون شکل گرفته و گسترش می‌یابند. شهر در اساس پدیده‌ای اجتماعی اقتصادی است. انسان‌ها برای کار و زندگی و ارتباطات در پهنه‌ای محدود و کمابیش متراکم گرد هم می‌آیند و کم کم شهرها را پدید می‌آورند. شهرها با تحولات اجتماعی، جابجایی‌های جمعیتی، تغییرات اقتصادی و نوآوریهای فن شناختی، دگرگون می‌شوند. با افزایش جمعیت نیز فعالیت و سرمایه گذاری به شدت توسعه می‌یابد و نظام و سازمان کالبدی شهرها دستخوش تغییرات اساسی می‌شود. شهرها همانند موجودات زنده، همواره از لحاظ کالبد بزرگ‌تر و از لحاظ ساخت پیچیده می‌شوند. به دنبال این رشد فیزیکی شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نیز به تدریج دگرگون می‌شود. بررسی تاریخی و گسترش کالبدی شهر عوامل مؤثر در تغییر ساختار شهر را آشکار می‌سازد. چرا شهر در این مکان ایجاد شده است؟ چگونه رشد کرده و علل پیشرفت آن چه بوده است؟ (حسین زاده دلیر و هوشیار، ۱۳۸۵: ۲).

نقش کالبد شهر در هویت سیمای شهری

شهر را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر در طول تاریخ دانست زیرا به واسطه آن می‌توان محیطی را برای گرهمایی هم نوعان خود پدید آورد و اندیشه‌های خود را در مورد سکونت و نحوه زندگی به نمایش گذارد. در طول تاریخ شهرهای زیادی به دست بشر ساخته شده‌اند که اگرچه همگی تقریباً اهداف مشترکی از قبیل فراهم آوردن محیطی امن، پایدار، غنی، راحت و توأم با آسودگی برای زندگی اجتماعی انسان‌ها دنبال می‌نمایند، لیکن به لحاظ سیما و شکل ظاهری با یکدیگر تفاوت دارند؛ به گونه‌ای که می‌توان به تعداد تمام شهرها در طی تاریخ، گونه‌های مختلف سکونتگاهی شناسایی کرد. درواقع همچنان که انسان‌ها با هم متفاوت‌اند و حتی هیچ دو انسانی را نمی‌توان در تمام جهات و زمینه‌ها یکسان یافت، مصنوعات ساخت دست و حاصل تفکر انسان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت‌اند و کمتر دو مصنوع بشری را می‌توان یافت که یکسان و مشابه باشند این عدم شباهت سکونتگاه‌ها به یکدیگر در گذشت زمان موجب شکل‌گیری هویت خاص و منحصر به فرد برای هریک از آن‌ها شده است. بنابراین می‌توان این گونه بیان کرد که سیمای شهری متفاوت همزمان بیان کننده و نمایش دهنده هویت‌های مختلف‌اند در نگاه اجمالی آنچه آدمی را هویت می‌بخشد لباس اوست و آنچه شهری را از دیگری جدا می‌کند سیمای آن است (زاهدان و مسعود لواسانی، ۱۳۹۳). به همین دلیل است که برای یک شهر کویری یک هویت خاص و برای یک شهر کوهستانی هویت دیگری متصور می‌شوند زیرا اساساً سیمای شهری این دو محیط انسان ساخت متفاوت از یکدیگر است و ما در صورت مذاقه در سیمای شهری قادریم که هویت شهری آن را تشخیص دهیم. مسئله هویت و شناخت عوامل اثرگذار آن در شکل‌دهی سیمای شهری به خصوص در شهرهای تاریخی امروزه به موضوعی بسیار مهم و مورد توجه بدل شده است. به خصوص آنکه امروزه شاهد آن هستیم بسیار بافت‌های ارزشمند و تاریخی در شهرهای مختلف به بهانه نوسازی مورد مداخله قرار می‌گیرند که در بیشتر موارد مداخلات آنجا مگرفته بدون توجه به مفهوم منظر شهری، سیمای شهر و عوامل هویت ساز آن صورت پذیرفته است و در نتیجه آن بسیاری از بخش‌های هویت‌مند سیمای شهری و به تبع آن منظر شهری مورد تخریب قرار گرفته‌اند. بنا بر آنچه بحث شد هویت هر شهر به طور کلی در سیمای آن شهر جسمیت می‌یابد که این مفهوم از بخش‌هایی چون خیابان، شبکه ارتباطی، بافت، چشم انداز شهر، نقاط عطف، فرم و شکل بناها، مقیاس، دانه بندی، نسبت توده به فضا، تراکم، نفوذپذیری، مبلمان

شهری و نشانه‌ها، مصالح، جزئیات اجرایی و رنگ تشکیل شده که هریک از آن‌ها به تنهایی می‌تواند انعکاسی از مفهوم هویت شهر در خود داشته و متأثر از آن باشند اما نکته مهم در این میان آن است که چه عامل و یا عواملی قادرند بر اجزای سیمای شهری اثر گذارند تا در عینیت منحصر به فردی، هویت خاصی را سبب شوند. نمود ظاهری یک شهر در نگاه نخست می‌تواند متأثر از عناصر طبیعی و بستر مکانی آن باشد. از این‌رو شناخت شاخص‌های اقلیمی بستر فعالیت‌های انسانی می‌تواند به درک و تحلیل بهتر اشکال مختلف زندگی، فعالیت‌های انسانی و تأثیر آن بر سیمای شهر بیانجامد. شاخصه‌های اقلیمی متأثر از عوامل طبیعی، زیست محیطی و جغرافیایی‌اند و به عنوان اولین عامل هویت بخش به سیمای یک شهر و اجزای آن تلقی می‌شوند این عوامل می‌توانند شامل این عناصر باشند: میزان بارش، دما، رطوبت، باد و غیره منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، ساختار زمین شناسی، مکان نگاری و پوشش گیاهی و ... اقلیم یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر زندگی انسان است و عبارت است از هوای غالب یک منطقه در دراز مدت خلق شرایط محیطی راحت و مطلوب زندگی و تأمین امنیت ساکنان بنا از گزند شرایط نامساعد محیطی و جوی از اصول لاینفک معماری و ساختمان به شمار می‌رود. اقلیم نقش گسترده‌ای در تعیین شکل و سیمای شهرها دارد. در واقع می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در طراحی شهرها، اقلیم می‌باشد به طوری که تأثیر آن در تک‌تک بناها و عناصر معماری داخلی فضاها و علاوه بر آن، در تمام تار و پود بافت شهری و همچنین شیوه زندگی انسان، دیده می‌شود. همین امر سبب گردیده است که برنامه ریزان و طراحان شهری از دوران باستان تا به حال به ارتباط میان چگونگی قرارگیری بافت شهری در توپوگرافی و الگوی طرح ریزی شهری مناسب جهت بهره‌گیری از انرژی خورشیدی، توجه ویژه‌ای داشته باشند. به نظر می‌رسد شیوه‌های معماری جدید نکات اساسی اقلیمی و توپوگرافی منطقه را مدنظر قرار نداده و مشکلات خاصی را از نظر شکل و سیمای شهر به وجود آورده است. با توجه به عملکرد عناصر اقلیمی در پایداری فضاها و شهرها و همچنین نقش آن‌ها در ارتقای کیفیت محیطی بالاخص آسایش اقلیمی و همچنین مطرح شدن رویکرد طراحی و برنامه ریزی اکولوژیکال و شهرسازی همساز با اقلیم، لذا ضروری به نظر می‌رسد که به بررسی نقش عوامل اقلیمی و توپوگرافی بر کالبد فضاها و شهرها پرداخته شود (مهر بخش و قانع حیدری، ۱۳۹۸). عامل دیگری که سیمای شهری از آن می‌تواند متأثر باشد شاخص‌های منطقه‌ای است که این عامل اشاره به وجه انسانی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یک منطقه دارد. علوم، فنون، مهارت‌ها، اندیشه‌ها، روش‌های تولید، آداب و رسوم و عقاید در این دسته طبقه بندی می‌شوند (شکل ۱-۱).



اهمیت توجه به سیمای شهری



با توجه به این که شهرها از دو بعد کالبدی و محتوایی تشکیل می‌شوند، به غیر از اجزا و عناصری که به چشم می‌آید، مواردی هم وجود دارد که کاملاً بستگی به برداشت‌ها و تصویر ذهنی فرد از محیط شهری دارد. بر این اساس دو مفهوم سیما و منظر شهری که با یکدیگر مرتبط هستند. توجه به سیما و منظر شهری در حوزه‌های مختلف از جمله شهرسازی اهمیت زیادی دارد و در جهت ایجاد سیما و مناظر شهری با کیفیت و ساماندهی آن تلاش می‌شود؛ که محیطی مطلوب برای زندگی شهروندان فراهم شود

ماهیت سیما و منظر شهری

سیما و منظر شهری به عنوان سطح تماس انسان و پدیده شهر و جنبه قابل ادراک آن بر روی کنش و واکنش فرد ارزیابی کیفی او مؤثر است. امروزه مراد از منظر معنایی بیش از طبیعت است. منظر در دنیای امروز موجودی زنده پویا انگاشته می‌شود که از یک سو متأثر از انسان و نحوه زیست اوست و از سوی دیگر با شکل خود و تداعی خاطراتی که در زمان‌های طولانی بر بستر آن روی داده است بر تمدن، فرهنگ و نوع زیست آدمیان تأثیر می‌گذارد. منظر تنها عنصری عینی که متشکل از اجزای طبیعی باشد شناخته نمی‌شود، بلکه عنصری ذهنی و فرهنگی نیز خواهد بود که شکل‌گیری آن در اذهان مردم با دخالت تاریخ، اعتقادات دینی و اسطوره‌ای، اقلیم، سنت زیست و امثال آن‌ها، بوده است. لینچ منظر شهری را تأثیر کلی و جامعی می‌داند که ناظر به هنگام دیدار و یا زندگی در شهر یا بخشی از آن به دست می‌آورد. منظر از طرفی خود بخش متجلی و ملموس پدیده شهر یا فضای شهری است که در آن تبلور بصری، کارکردی معنایی چیزهایی که فضا را شکل می‌دهند، دیده می‌شود. این لغت بر بازتاب معنی‌دار ترکیب عناصر و عواملی دلالت می‌کند که خارج از تأثیرات ذهنی ناظر وجود دارند و از طرف دیگر پدیده‌ای است که به نوبه خود دارای فرم، معنا و عملکرد است. فرم، ظاهر، ساختار، چگونگی، و نحوه رشد محتوا و تجسم و بیان پدیده است. تعریف زیبایی‌شناسانه فرم عبارت است از تظاهر حسی و واضح یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد فرم کلیتی است وحدت یافته از تمام ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی که قابل احساس است. جنبه کالبد منظر شهر شامل گشتالت، پیکره، تعادل بصری، نظم و چیدمان بصری، رنگ، بافت، مقیاس، سبک، ویژگی، سرشناسی و منحصربه‌فرد بودن است. عملکرد به طور معمول فایده یک پدیده برای انسان است. خاصیتی از محیط که جوابگوی بخشی از نیازهای انسان است برای معنا تعریف دقیقی نمی‌توان ارائه داد. لینچ معنی را خاصیتی از محیط می‌داند که می‌تواند فرد را به جنبه‌های دیگری از زندگی متصل کند. معنا حاصل ارزیابی شخص از محیط و مکان و پدیده‌ای کاملاً شخصی است، هرچند معانی در اثر آموزش و کسب تجربه و دانش (و به طور کلی فرهنگ) جا می‌افتند و می‌توان شاهد برداشت‌های مشابه از معانی مترتب بر یک پدیده در میان یک فرهنگ مشابه بود (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

محتوای سیمای شهری

کالان مفهوم «محتوی» را در ارتباط با برخی از اجزاء فضای شهری مانند رنگ، بافت، مقیاس، سبک، شخصیت و حضور مردم فعالیت و زندگی مطرح می‌کند. کیفیاتی نظیر تنوع، غنای بصری، تبدیل‌پذیری و مناسبت بصری در فضای شهری از اهمیت زیادی برای پاسخگو نمودن فضا یا فضاهای پاسخگو برخوردار است. به دلیل وجود اطلاعات بصری فراوان، موضوع تنوع مطلوب بسیار مهم است. حد تنوع از یکنواختی (عدم تنوع) تا اغتشاش است حفظ تنوع و پیچیدگی مطلوب در سیمای فضای شهری، به

جذابیت و خوشایندی فضا می‌افزاید زمینه کلیتی از صفات محیطی و بصری پیرامونی یک مکان است که طی آن تداوم عناصر بصری سبب ایجاد زبان مشترک معماری و معرف خصلتی جمعی برای آن مکان شده است (محمودی، ۱۳۸۵: ۴۱)



مناسبت بصری سه چیز مناسبت بصری ایجاد می‌کند:

پشتیبانی از خوانایی فرم و عملکرد

پشتیبانی از گوناگونی

پشتیبانی از انعطاف پذیری

طراحی جزئیات ظاهر ساختمان مهم است چرا که بر تعبیر و تفاسیر مردم از مکان تأثیر می‌گذارد، مردم مکان‌ها را به چیزی معنی‌دار تعبیر می‌کنند. وقتی که این معانی تأثیرپذیری را تقویت می‌کنند مکان کیفیتی می‌یابد که آن را سازگاری بصری می‌نامیم غنای حسی کیفیتی که موجب تنوع تجارب حسی‌ای می‌شود که استفاده کننده می‌تواند از آن لذت ببرد. انواع تجارب حسی شامل حواس بینایی، حرکت، بویایی، شنوایی و لامسه می‌باشد. اما در این میان حس بصری از اهمیت بیشتری برخوردار است. غنای بصری از طریق راز و رمزهای بصری و پیچیدگی بصری تقویت می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲۵).

عناصر سیمای فضای شهری بر مبنای کالبد شهری

سبک و طرح معماری ابنیه طرح معماری ابنیه‌عمدتا تحت تأثیر گرایش‌های رایج در زمان ساخت هر یک از ابنیه است. معماری طرح را می‌توان تحت سه عامل احجام غالب، صفحات غالب و خطوط غالب بررسی کرد.

احجام غالب: منظر ابنیه تحت تأثیر فرم غالب هر یک از احجام ساختمانی است که حاصل ترکیب احجام هندسی عمدتاً (مکعب

مستطیل) می باشد که اندازه و بزرگی، نحوه قرار گیری و تناسب آن ها با یکدیگر در شکل گیری منظر شهری مؤثر می باشد

صفحات غالب: در یک منظر شهری، صفحه نما از عمده ترین صفحاتی ست که در معرض مشاهده قرار می گیرد. این صفحات در غالب جداره ها و دیوارها مورد استفاده قرار می گیرد. قرار گرفتن این صفحات کنار یکدیگر، موقعیت قرار گیری آن ها، نسبت و اندازه صفحات به یکدیگر و امکان رویت صفحات جانبی در منظر خرد مؤثر می باشد خطوط غالب: این خطوط شامل خط زمین، خط آسمان، مفصل های جانبی و یا خطوط شکل گرفته بر صفحات ساختمانی، (مانند خطوط پنجره ها و خطوط از اره) می باشند که در چگونگی شکل گیری منظر شهری مؤثر می باشند

وضعیت زمین زمین در حقیقت صفحه کف یا بستری ست که احجام ساختمانی بر روی آن شکل می گیرند. اجزا و عناصر شکل دهنده به صفحه زمین (کف) بسیار متعدد و متنوع هستند. چنانکه می توان برای مثال نمونه های آن را به عنوان: پیاده روها، سواره روها، فضاهای آزاد، رفوژها، باغچه ها، رودخانه ها و مسیل ها، کانال و جویها معرفی نمود که هر یک از این عناصر دارای شکل، فرم و مصالح خاص خود می باشد. نحوه تفکیک اجزای این سطوح از یکدیگر، صفحات و خطوطی را در منظر شهر ایجاد می کند که در یک سطح تراز و یا ترازهای مختلف نسبت به یکدیگر قرار می گیرند وضعیت مصالح با توجه به تعاریف بالا، برای معرفی احجام، صفحات و خطوط در منظر شهری از مصالح گوناگونی استفاده به عمل می آید که در آن ها نوع، کیفیت، جنس و بافت مصالح متفاوت بوده و هر یک تأثیر زیادی در شکل منظر شهر ایجاد می کند در منظر مقیاس خرد الحاقاتی که بر احجام و صفحات اصلی ساختمانی و کف به صورت احجام و صفحات کوچک تر اضافه می شوند، تأثیر به سزایی در شکل منظر شهری ایجاد می کنند. این عناصر می توانند در منظر شهر به صورت: بالکن ها، تأسیسات ساختمانی، تندیس ها، تابلوها و عناصر کاربردی و یا غیر کاربردی دیگر مطرح گردند.

تأسیسات و مبلمان شهری تأسیسات و مبلمان شهری جزء الحاقاتی است که عمدتاً بر صفحه زمین اضافه می شود و مقیاس خرد بر منظر شهری تأثیر به سزایی دارند. نمونه هایی از این عناصر، شامل تیرهای چراغ برق، دکه های تلفن، سطل های زباله، نیمکت ها و امثال آن ها می باشند.

پوشش گیاهی پوشش گیاهی در این مقیاس به صورت درختان، درختچه ها و بوته ها به صورت مجزا و یا در کنار هم قابل مشاهده است. انتخاب نوع، رنگ و دیگر ویژگی های فیزیکی مناسب پوشش های گیاهی، تأثیر به سزایی در بهبود کیفیت منظر شهری به وجود می آورد.

جزئیات ساختمانی جزئیات ساختمانی ابنیه و کف نیز از عوامل مؤثر در منظر شهری در مقیاس خرد محسوب می شوند. در این مقیاس توجه به جزئیات، اتصال بدنه ها و جداره ها به خصوص در سطوحی مانند از راه ها، کف سازه ها و درها و پنجره ها از اهمیت زیادی برخوردار است (کالن، ۱۳۸۲:)

پیشینه تحقیق:

سهرابی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی کالبد شهر یزد، کالبدی کهن ولی با هویت اقدام کرده است که نتایج مبرهن آن است که با مشاهده کالبد و پیکر شهر از نگاهی روان شناسانه می توان خصوصیات مردمان شهر را شناخت. پیکری سرکش نشانگر بزرگ نمایی و جسارت شهروندان است و پیکر ساده، افتاده، همساز لمیده در بستر خاک، نشانگر افتادگی، بی پیرایگی، سادگی و بی تکلفی مردمان شهر است. پیکر ناهماهنگ، آشفته، درهم و برهم، بی نظم سرگردان نشانگر آشفتگی ذهنی، ادراکی و روانی مردمان آن شهر می باشد.

ناجی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به امکان سنجی هویت بخشی اجتماعی به کالبد شهری محلات تهران بر اساس اصول معماری زمینه گرا نمونه موردی: محله سنگلج محدوده شمالی پارک شهر تهران پرداخته اند که نتیجه پژوهش حاکی از آن است که از بین ابعاد چهارگانه معماری زمینه گرا شامل بعد کالبدی بعد تاریخی بعد اجتماعی - فرهنگی و بعد اقلیمی متغیر زمینه اجتماعی فرهنگی بیشترین تأثیر را بر رابطه بین زمینه گرایی و هویت اجتماعی دارا می باشد بر اساس این رابطه پیشنهاداتی در راستای هویت بخشی اجتماعی نیز ارائه گردیده است.

رضوانی (۱۳۹۳) در مقاله ای به بررسی تعاملی دوسویه (هویت کالبدی یا کالبد هویت ساز) بررسی اهمیت کالبد شهر در تغییر هویت های پنج گانه اقدام کرده است که نتایج نشانگر آن است که اگر بپذیریم که شکل و کالبد شهرها متأثر از هویت، فرهنگ و تمدن شهروندان و ایجادکنندگان آن است، قطعاً به این نتیجه می رسیم که ویژگی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جاری و حاکم بر یک جامعه همان عواملی هستند که شکل کالبدی شهرها را در گذر زمان و در فضای حضور و تعامل انسان ها با محیط، ساخته اند. در اینجا است که زشتی و زیبایی این شاکله و ساختار کالبدی، قطعاً تظاهری از ارزش ها و نقصان های فرهنگ و تمدن یک جامعه و تعاملات آن جامعه با محیط و با یکدیگر است.

نوروز زاده و نوری مکرم (۱۳۹۸) در مقاله ای به بررسی نقش کالبد فضائی بازار در تاریخ ایران بر حفظ هویت و تعاملات اجتماعی در عملکرد پرداخته است که نتایج بیانگر آن است که به علت دگرگونی های اقتصادی و اجتماعی کشور در سال های اخیر تغییراتی عمیقی در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی پدید آمده است و این تغییرات خود اثرات عمیقی در عادت خرید و فروش و توزیع واحدهای تجاری شهرهای ایران به دنبال داشته است. در این میان نقش مؤلفه های کالبدی و محیط فیزیکی به عنوان بستر شکل گیری ساده و پیچیده اجتماعی را نمی توان نادیده گرفت، بنابراین در اینجا نقش و قابلیت های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقا تعاملات اجتماعی تأیید می شود.

نظام دوست و بهرو (۱۳۹۸) در مطالعه ای به بررسی مؤلفه های هویت ساز در کالبد خارجی ساختمان های بلند مرتبه مسکونی (نمونه موردی: مجتمع های مسکونی پارسا و اسکان در تهران) اقدام نموده است که نتایج بیانگر آن است که پوسته خارجی ساختمان به عنوان حدفاصل درون و بیرون فضای مسکونی، یکی از مؤثرترین عناصر زیبایی شناختی در نمای شهری است. از نما

به عنوان فصل مشترک معماری و شهرسازی یاد می‌شود. شناخت مؤلفه‌های هویت ساز در این عنصر تأثیرگذار که مستقیماً با روان انسان مرتبط است؛ حائز اهمیت می‌باشد.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر روش شناسی بر اساس هدف از نوع بنیادی نظری و کیفی است. چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه‌های هویت شهری باشد و بر اساس ماهیت از نوع روش تو صیفی - تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده است.

نتیجه گیری

این روزها نقش عناصر کالبدی شهری در خدمت به شهروندان هر شهر بر کسی پوشیده نیست. اما مسئولین امر و دست اندرکاران امور شهری معتقدند که گذشته از امر خدمات رسانی، حفظ هویت و زیبایی سیمای شهری نیز از اولویت‌های بالایی برخوردار است. چنانچه بعضاً "مشاهده می‌شود با گسترش بی ضابطه بسیاری از شهرهای بزرگ و افزایش جمعیت رفته رفته تسلط مسئولین شهری به کنترل اوضاع اجتماعی و پرداختن به امور سیمای شهرها و ساماندهی آن‌ها کمتر از گذشته می‌شود و گاهی هویت حفظ سیمای بصری در زیر پوشش عملکردها و پاسخ به نیاز روزمره شهروندان به فراموشی سپرده می‌شود. در بعضی موارد نیز به جرئت می‌توان گفت هجوم بی رویه و حساب نشده جمعیت از روستاها و شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگ و به ویژه کلان شهرها و در نتیجه نیاز بیشتر به خدمات شهری مناسب، باعث به وجود آمدن سیمایی نامناسب و اغتشاش در هویت و کالبد شهر می‌شود. به طوری که در بسیاری از موارد برای پاسخ گویی به نیاز شهروندان در امر خدمات شهری، دقت فدای سرعت شده و حفظ هویت و زیبایی به ویژه در کالبد شهری قربانی نیازهای مقطعی و نسجیده روزمره شهر می‌شود. هویت به عنوان مفهومی پویا همواره تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار داشته و عناصر شکل دهنده آن بر اثر مؤلفه‌های گوناگون در حال تغییر هستند. در جوامع کنونی، تغییرات هویتی به طور واضح به چشم می‌آید و عوامل مؤثر بر این تغییرات به موضوعی بحث برانگیز تبدیل شده است، با توجه به نقش و اهمیت دانش شهرسازی در بهبود کیفیت زندگی و ارتقای هویت شهری، لزوم مطالعه چگونگی تأثیر کالبد شهر بر هویت، به روشنی دیده می‌شود. فضا علاوه بر کالبد خویش و مضاف بر ویژگی‌های هندسی و زیبایی شناسی این کالبد، واجد معنا و یا معانی‌ای نیز می‌باشد که در خاطره جمعی جامعه نقش می‌بندد. علاوه بر آن، عملکردهایی را نیز در مقاطع زمانی مختلف می‌توان برای هر فضا تعریف کرد که با استناد به مجموعه این‌ها تعریف شقوق مختلف هویت فضاهای شهری ایرانی (هویت کالبدی، هویت معنایی و هویت عملکردی) امکان پذیر می‌گردد. هویت هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. هویت موضوعی است که تفاوت سیمای شهر قدیم ایرانی و سیمای شهر معاصر را موجب گشته است. مطالعات در عرصه‌ها و پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته برای هویت بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم است. توجه به شهرسازی و معماری قدیم نشان دهنده همدلی با آن است و سیمای شهرهای بی هویت کنونی حاصل التقاط فرهنگی امروز است. می‌توان با شناسایی اصول شکل دهنده فضاهای شهری ایرانی، شناخت نیازهای جامعه انسانی و شناخت ارزش‌های فرهنگی جامعه به نظام پایدار برنامه ریزی برای شهر معاصر اندیشید. برای این منظور باید دید تغییر و

تحوالات هر دوره چگونه و تا چه حد بوده است. عناصر طبیعی، ساختارها و کالبدهای مصنوعی، ترکیب اقوام و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حوادث تاریخی موضوعاتی هستند که بررسی تطبیقی آن‌ها در دوره‌های مختلف سبب شناسایی تمایزات هر دوره تاریخی از دوره دیگر شده و هویت شکلی آن شهر را سبب می‌گردد.

راهکارهای اساسی توجه بیشتر به سیمای شهری بر مبنای عناصر کالبدی

- ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در مراحل تهیه طرح‌های شهری و طرح‌های مربوط به سیما و منظر شهری
- دریافت نقشه‌ها و تصاویر ذهنی شهروندان از شهر در زمان‌های مختلف فراهم نمودن شرایط مناسب برای نظرسنجی از شهروندان در طرح‌های شهری
- تهیه و تدوین ضوابط و مقررات سیما و منظر شهری در حوزه‌های مختلف با جزئیات کامل با توجه به نظرات شهروندان و فراهم نمودن شرایط مناسب برای اجرایی شدن این ضوابط و مقررات
- بهره‌گیری از نظرات ساکنان شهر به منظور مطلوب تر شدن سیما و منظر شهری
- بررسی و شناسایی مخاطبان، خواسته‌ها و توقعات آن‌ها و در نظر گیری آن‌ها در کلیه مراحل طرح‌های سیما و منظر شهری

منابع:

۱. بابکری، فرزین و جوهری، نادی، ۱۳۹۵، بررسی نقش عناصر شهری در شکلگیری هویت کالبدی شهری مطالعه موردی: مجسمه ها و المان های شهری سقز، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی سقز.
۲. ناجی، نرگس و جهان بخش، حیدر و بهرامی، ساناز، ۱۳۹۳، امکان سنجی هویت بخشی اجتماعی به کالبد شهری محالت تهران بر اساس اصول معماری زمینه گرا نمونه موردی: محله سنگلج محدوده شمالی پارک شهر تهران، اولین همایش ملی عمران، معماری و توسعه پایدار، یزد.
۳. رحمانی، فروزان و نورمحمدزاد، حسین ۱۳۹۸، تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد در مجموعه تاریخی شهر یزد، فصلنامه مطالعات شهری، دوره: ۶، شماره: ۲۱، صص.
۴. پیران، پرویز. (۱۶۸). هویت شهرها: غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده. (مجله آبادی، ۱۵ (۴۶)، ۸-۹).
۵. علوی، نیلوفر و محسنی، ناصر، ۱۳۹۸، تعامل کالبد شهر و عناصر فرهنگی، کنفرانس ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران، اهواز.
۶. زاهدان، آرش و مسعود لواسانی، منا. (۱۳۹۳). هویت نما در روند نوسازی؛ تجربه تدوین ضوابط نمای ساختمانی در منطقه ۱۷ تهران. (منظر، ۸) ۷۰، ۵۲ - ۵۵.
۷. اکبری، غضنفر و عبدالحی، مجید (۱۶۸)، «مجموعه قوانین ده و دهیاری»، انتشارات قلمستان هنر، تهران.
۸. بحرینی، سید حسین (۱۳۸۲)، فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۹. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی. چاپ دوم، تهران.
۱۰. حسین زاده دلیر، کریم، هوشیار، حسن، (۱۳۸۵)، دیدگاهها، عوامل و عناصر مؤثر در توسعه فیزیکی شهرهای ایران، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ششم.
۱۱. مهر بخش، جبار و قانع حیدری، محمد، ۱۳۹۸، تأثیر توپوگرافی و عوامل اقلیمی بر ساخت و کالبد شهری نمونه موردی شهر سنندج، ششمین کنفرانس ملی پژوهشهای کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری و پنجمین نمایشگاه تخصصی انبوه سازان مسکن و ساختمان استان تهران، تهران.
۱۲. بنتلی، یان و دیگران، ۱۳۸۵، «محیطهای پاسخده»، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۳. محمودی، سید امیر سعید، ۱۳۸۵، «منظر شهری، مروری بر چند نظریه»، مجله آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۲، زمستان.
۱۴. کالن، گوردون، ۱۳۸۲، «گزیده منظر شهری»، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۵. زندیه، مهدی و زندیه، راضیه، ۱۳۸۵، نقش مبلمان شهری در هویت و سیمای شهری، همایش شهر برتر، طرح برتر، همدان.
۱۶. سهرابی، نارسیس، ۱۳۸۵، کالبد شهر یزد، کالبدی کهن ولی با هویت، اولین همایش ملی عمران شهری، سنندج.
۱۷. نظام دوست، سید امیررضا و بهرو، حسین، ۱۳۹۸، بررسی مؤلفه های هویت ساز در کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی (نمونه موردی: مجتمعهای مسکونی پارسا و اسکان در تهران) چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست، کرج.

۱۸. نوروز زاده، میترا و نوری مکرم، امیر، ۱۳۹۸، بررسی نقش کالبد فضائی بازار در تاریخ ایران بر حفظ هویت و تعاملات اجتماعی در عملکرد، ششمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری و پنجمین نمایشگاه تخصصی انبوه سازان مسکن و ساختمان استان تهران، تهران.

The role of the city's body in the city's identity and appearance

Fatemeh Kalaei

Audiovisual expert of cultural, social and sports organization of Shiraz municipality

Abstract

The identity of the city has an inherent and input state that affects the body of the city, therefore, the physical appearance of cities dependent on a certain culture and worldview distinguishes them from other cultures and social structures. Taij showed that the physical elements had an influence and role in the identity of the urban appearance of the city and the physical elements had an effect on all the variables of the identity of the urban appearance "culture, historical record, collective memories, the type and nature of construction technology, function, signs, forms and symbols and visual features" has also had an impact and role. Natural elements, artificial structures and bodies, the composition of ethnic groups and political, economic, social systems, and historical events are the subjects whose comparative investigation in different periods has led to the identification of the differences of each historical period from another period. And it causes the shape identity of that city.

Key words: city body, urban identity, city image